

۴ فداییان خلق ایران (اکثریت) را می‌زند. پس تا آن جا و بزرگوار که ممکنست، باید کارگران بدانند که خط حزب توده ایران چیست و این که حزب توده ایران به چیزی جز عمیق ترین منافع طبقه کارگر و امر تعمیق انقلاب متکی نیست و بدانند که با این گونه برجسته ها نباید از میدان بدر روند و باید دوست و دشمن را باز شناسند، در ضمن باید این را هم بگوئیم که: این خود یکست افتخار برای حزب توده ایران و سازقان فداییان خلق ایران (اکثریت) است، که پیشنهادها و نظریاتشان عینا منطبق با خواست های کارگران ایران است.

وظایف مشخص در این زمینه

رفقا! حوادث این هفته، به دنبال رویدادهای چند هفته اخیر، بار دیگر اهمیت و حساسیت مسائل کارگری و در مرکز آن ها قانون کار را ثابت می کند. اهمیت پس گرفتن این پیش نویس و تدوین یک قانون کار مترقی و انقلابی، مطابق با قانون اساسی ورو - انقلاب، بر کسی پوشیده نیست. قانون کار، در ردیف قانون دولتی کردن بازرگانی خارجی و قانون اصلاحات ارضی بنیادی و قانون حدود مالکیت ها، در رده اول قوانین بنیادی اقتصادی - اجتماعی قرار دارد، که تدوین و اجرای آن ها، سرچشمه انقلاب و آینده آن را تعیین خواهد کرد. آن را از مسخ شدن و نپاشیدن نجات خواهد داد و جمهوری اسلامی ایران را بسوی تثبیت و تحکیم خواهد برد. بنابراین، وظیفه همه ماست که همه کوشش خود را در این هنگام، که مسئله جد شده است، به کار بریم تا:

۱) همه راجع کارگران و کارگران موسسات صنعتی به طور همه جانبه مسئله پیش نویس قانون را مورد بحث قرار دهند و آرزوهای خود را در آن و معایب آن با منافع طبقه کارگر و با قانون اساسی را نشان دهند.

۲) با طرح مسئله قانون کار و لزوم تدوین یک قانون انقلابی و مترقی و مدافع منافع طبقاتی کارگران، اصولا مسائل عام و کلی مربوط به اهمیت و نقش طبقه کارگر در جامعه و در جریان انقلاب و جای آن در نظام جمهوری اسلامی ایران را مطرح کنیم و بر پرچم حقوق طلبانه، استقلاله و آگاهانه طبقه کارگر در دفاع از انقلاب و منافع حقیقی خویش و همه راجع کارگران تکیه کنیم.

۳) تفاوت بین "خط" های این رژیم و روبرویی آن ها را، چقدر دستگاه دولتی و چه در بین روحانیون، نشان دهیم و کارگران را آگاه سازیم، که در این عرصه یکی از شدیدترین برخوردها بین خط امامی ها و جریان مخالف و همه طبقه طرفداران سرمایه داری درگیر است.

۴) سیاست و شیوه حزب خودمان را در این مسئله و مواضع طبقاتی آن را در دفاع از انقلاب و منافع طبقه کارگر توضیح دهیم و مطابق با امکانات، بر حوضیات و آرزوهای کارگران خط مدافع سرمایه داری هر ایجاد آن می کوشند، جرات جدی وارد کنیم و مواضع حزب را به آگاهی کارگران برسانیم.

رفقا! برای رسیدن به این اهداف، همان طور که در هفته های اخیر تا کنون داشته ایم، باید جداگانه توجه را به این مسئله معطوف کرد. باید خود را عمقا با مسائل کارگری آشنا کنیم، تا بتوانیم برای بالا بردن سطح پیش طبقاتی کارگران مفید واقع شویم. توصیه می کنیم که: وسعا مسائل مربوط به کارگران و پیش نویس قانون کار را مورد بحث و بررسی قرار دهید. در درجه اول باید به بررسی و پاسخ رفیق کابوری، در مورخ ۲۹ آبان ۶۶، بحث مربوط به مسائل کارگری و قانون کار، در صفا توجه نمود. باید مطالب کارگری تحلیل هفتگی، که در سه هفته اخیر در راس مطالب تحلیل بود (نیمه دوم آبان و نیمه اول آذر) مطالعه نمود و هم چنین به سایر انتشارات و جرات و مطالب منتشره در روزنامه ها باید مراجعه نمود. اضافه کنیم که: نتایج کار و تمرکز فعالیت خود و اظهار نظر ها و پیشنهادهای برجاستاز تجربه را باید فرستاد، تا مورد استفاده عمومی قرار گیرد.

نویسنده های خط رنگ آمیزی در مسئله

اهمیت مسائل کارگری و وظایف خاص دور، چنان است، که در سوم مطالب تحلیل این هفته را به آن مسائل اختصاص دادیم. اما در این هفته، لااقل به احتیاط، از رویدادهای دیگری خبر باید یاد کرد، که ادانه نویسنده این خط در اطراف ایران به منظور اجراء شده برآمداری از سوم ترین آن است.

تذکره: مانورهای متعدد نظامی و باز هم محکم کردن زنجیرهای وابستگی و سرسپردگی کشورهای منطقه با بیان های نظامی و قرار دادهای تسلیماتی با کمک های نظامی و سیاسی جدید، در این هفته نیز مانند هفته های قبل، با استوار آیدرهای داخلی است. تکیه بر این که، اینک دیگر به نظر می رسد که گاهی برای این نقشها در بین محافل رهبری کننده

وستولان بیشترند و عدد و روز افزونی می یابند. کوفتاقا عظمی آمریکا جدی و قوی است.
در این هفته نماینده آبادان در مجلس از "ماتری مستیک آمریکا" کشورهای مجمع منطقه به خاطر آنچه که منافع حیاتی خود در منطقه می دانند، سخن گفت و تصریح کرد: "ملت مسلمان ایران باید مانند دیگر ملت ها با کشورهای آمریکا علیه ما آماده دراز و پایداری داشته باشد. نقاط ضعف خود را از چهران کنیم.
مطمئن ایران در گوشت خطایب هموزیر گفت: "دوستان مجمع و خطیگر شما در منطقه ما بر علیه حقوق حقه ما ظهور کرده اند. زمین ایران از اول می خواستند و ما همه جنگ را به منطقه کشاندند. ناخدا یک اقلیت فراموشه نیروی درباری در این هفته تلاصافی از تدارکات آمریکا را چنین بر سر آورد.
بایگهای خطیگر در کشور عمان در دست است. مسئله یک فرودگاه بسیار بزرگ در این مستقیم آماده بهره برداری است که هواپیماهای سنگین برابری نیروهای واکنش سریع آمریکا می توانستند از آن استفاده کنند. فرودگاه سانت فرودگاه جزیره صیبره چهار هزار مایل فرود شده. دو فرودگاه دیگر برای بهره برداری آمریکا در عمان در دست ساختن است و این چهار چند فرودگاهی است که با هزینه پادشاهی سعودی برای آمریکا در جزیره العرب ساخته می شود. باید جزیره دیگری را بنا بین از دوازده هزار مایل فراتر از این است.
روزنامه کیهان از صافرت زرتال "دان آسانی" فرمانده نیروهای واکنش سریع آمریکا به اسرائیل خبر داد و روزنامه جمهوری اسلامی شورای همکاری خلیج فارس را "آزادی ستیز در منطقه ما" نامید و هدف آن را "تخریبی چپان است. و با قوت با انقلاب اسلامی" دانست. باید آوری باید کرد. گذرد تدارک بیانی چند دهان من "سنو" نقش مهمی به با کشتن دادند. استاد و مربوطه، دو هفته قبل در جزایر کشور انتشار یافت. رئیس جمهور آقای خامنه ای، با توجه به این تدارکات طی این هفته در اصفهان گفت و
"ما اعلام می کنیم که هیچ قدرت بیگانه ای حق ندارد در منطقه خلیج فارس قدرت مبرمی کند. آقای موسوی نخست وزیر در ساره ماهورهای مشترک آمریکا گفت:
"عمان و سوئالی و سودان در حقیقت مستعمره آمریکا هستند و طبیعی است که آمریکا برای سیدید انقلاب اسلامی از این کشورها استفاده کند. از اوایل جنگ تاکنون جمعی از باولا و آمریکا و انگلستان و فرانسه در تنگه هرمز حضور دارند و حضور این باولا گان تهدید برای صلح منطقه است. امنیت کشورهای ساحلی خلیج فارس و تنگه هرمز را بر سرزیره آمریکا می توانستیم حفظ کرد. امنیت واقعی کشورهای را ملتها حفظ می کند و ملتهای منطقه نیازی به بازماندگی و انگلستانی و فرانسیسی ندارند.
همه این اخبار و پوشش گیری ها نشان می دهد، که انقلاب ما از جانب دشمن اصلی خود، یعنی آمریکا، در زمین حال هم به وسیله و منطقه های مسجمنده داخلی از جانب واسنگان به آمریکا، یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و لیبیال ها مورد تهدید قرار می گیرد و هم از راه تدارکات نظامی از خارج به منظور براندازی سرانجامی لغاشه ای و گوشه زنی و زدن مردم را در دست بگیریم، با آمریکا اهورا کردیم. هم هشباری نیز تنها با اعلام موضع بیان درک خطر وجودی می بود. علاوه بر آن اقدام عملی لازمست. تدارک و برپاسازی برای عقب کشاندن تدارکات آمریکا در منطقه لازمست. احتیاز از دام های میله گرانه آمریکا که انقلاب را تضعیف می کند و جمهوری را به فرسایش می کشاند، لازمست.

آیا به درک واقع بینانه و عمل متناسب با آن نائل خواهیم شد؟
در یکی از جاسوسین و سرشناسترین مسائل انقلاب ایران، یعنی شناخت دستان و دشمنان انقلاب، متناسفانه تاکنون دست آورد مهمی نداشته ایم. هنوز شعار "نه شرقی نه غربی" عملاً به معنای مساوی قرار دادن کشورهای سوسیالیستی با کشورهای امپریالیستی درک و عمل می شود. و این آرنه به تعبیر لیبرالی، که از اتمال بنی صدرها و قطب زاده های جای داد، تا هم اکنون برپا دارد. دارد. تاکنون دشمن شناختن کشورهای سوسیالیستی بدون توجه به سیاست و عمل و روش آن ها نسبت به ایران انقلابی، متناسفانه یک رسم عادی در دنیا سیاست ماست. و القاید کولوزی لیبرال ها، و به ویژه جوشانناز از دنیا، موجب گردیده که به حساب "تا مین موازنه" هر جمله که خبرها یا بلای با امپریالیسم توطئه گر، با یک جمله و مقابله علیه کشورهای سوسیالیستی همراه باشد. کار تناقض این روش با منافع عالیه انقلاب نهجایی رسیده، که در هفته قبل، به ویژه با خطبه نماز جمعه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و با مقاله ای در روزنامه اطلاعات و جمهوری اسلامی، گوشه ای از چهران

آن همه زبان های بهار آمده، بعلل آمد. ولی هنوز و همچنان در عمل و در شعار، در سیاست و در تبلیغات، اصل نه شرقی نه غربی به معنای قدیم و استگنی، به کشورهای دیگر فهمیده نمی شود. برعکس نه از آن هم چون مانی جدی بر سر راه دشمنان دوستان و دشمنان و با همه قلمرو می شود. بدون تردید در این زمینه هم سعوری جدی بین انقلابی و سوسیالیستی واقع بینانه با خطیگر غیر انقلابی و مسلح کننده است. اما باقی که هنوز هم تسلط دارند، باید صورت گیرد.
روز این هفته آقای نخست وزیر در توضیح نکات مربوط به گفت و شنود با خبرنگاران عقیده این سیاست در جهان مانی باج نمی نهد و فرمود: "باید در خارج کشور با استفاده از تمامی راه های در نظر می گیریم. راهی را که در دسترس است. از این سیاست به معنای مثبت کردن به جهت روح و باج نیست. ما از هر وسیله که در دسترس است و غیره تبلیغاتیک برای تقویت سیاست خود استفاده می کنیم.
این است این گفته در جهت ترسیم آن خسارتی باشد که در راه ما به معنای خطیگر این شعار در دوران گذشته، وارد آمده است. تجربه ایران، از نظر فراوان و حوادث آن قدر طولانی و سوز و پیمان بود که می توانیم دوست و انقلابی این بار را می بینیم. دوست و این ها می پایست در راه خود و راست می نمودن مترادف با دشمنی مساوی با هر دو طرف گرفته نمود.
در این زمینه چه قفا رایا به به معنای روزنامه اطلاعات، و زیر عنوان "نگاهی به مفهوم نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی" (پنجشنبه ۲۲ آذر ۶۶) یادآوری کنیم که مقاله "مبارزه با آمریکا" را اصل می دانند و هدف خنده را چنین توصیف می کند:
"پسودهایی که آمریکا را به کشورهای جهان سوم متصل کرده و آمریکا به وسیله آن پیوندها کلیه امکانات و منابع کشورهای تحت سلطه را به غارت می برد.
اطلاعات می نویسد: "موسوی گردن خط تولید گلخانه های مونتاز مبارزه با آمریکا است. نابودی و تصادره انمول سرمایه داران و وابسته و فرودانها مبارزه با آمریکا است. افشای لیبرالیسم مبارزه با آمریکا است. تعیین نظام ارزشی و انگاشتن سازوکار ارزشی مبارزه با آمریکا است. چرا که آمریکا از طریق سرمایه های نظامی از زمین و نیروهای نظامی اقتصادی (کارخانه ها، مونتاز سرمایه داران وابسته اساسی از زمین وابسته و نظام استبدادی) و فرهنگی (رواج محضری) در کشورها نفوذ می کند و قطع این ها، اگر بمشکل کامل انجام شود، آمریکا را نابود کرده است.
نه شرقی را روزنامه به معنای راهی از وابستگی به غرب توصیف می کند و کلیه نقدی معنای شعار "مبارزه با آمریکا" را می شکند و تفاوت آن را با "نه شرقی نه غربی" بیان می دارد و روزنامه می نویسد:
"شعار نه شرقی نه غربی به این مفهوم نیست که اگر از طرف با هر طرف با ترک فعلی در رابطه با غرب انجام شد، نباید به معنای شکل در رابطه با شرق نیز ایجاد شود. مبارزه با آمریکا ادامه دارد و چه ساد و چه پیچیده و چه ساده و چه پیچیده، سردهای دشمنی در زمین داشته باشیم و چه ساد و چه پیچیده، ما هرگز از آن (سوزی، ترق) این خطر را ایجاد نکنیم که در حرکت جامعه ما جهت لغت وابستگی با آمریکا بمانی ایجاد شود که نهایتاً به معنای انقلاب است.
این برداشت درست و منطقی، اگر رشد کند، بی ثوابت ما را از دشمنی دوست و دشمن و سطح همه نیروها در دیر، علیه آمریکا و استفاده از همه امکانات برای نیل به استقلال واقعی و شکوفایی معیشت انقلابی و بهره گیری از همه نیروها و مقدرات در راه غلبه بر عقب ماندگی باری بماند. و همه می دانیم که این، یکی از مسائل اصلی انقلاب است.

آیا اکنون عمل به دنبال خواهد آمد، آیا به موضع گیری واقع بینانه نائل خواهیم شد، یا اتخاذ تدابیر دشمن در زمینه های عملی و تبلیغی و در شعارها و سیاست خواهیم رسید؟
نفع خیر انقلاب در آنست که پاسخ این پرسش مثبت باشد.
اجرای تازم دولتی کردن بازرگانی خارجی ضرورت قانونی و نیاز انقلاب است.
طی این هفته در روزنامه های کشور متن نامه آقای مهدوی کبی عضو شورای کیهان، درباره "علل رد لایحه دولتی شدن تجارت خارجی چاپ شده. در نامه که خبرگزاری جمهوری اسلامی منتشر کرده، گوشه شهادت که شورای نگهبان توجیه کرده.
دربار ضرورت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دولتی کردن بازرگانی خارجی و نقش که این اقدام اصلی در تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی و نیل به خودکفایی و طرد روحیه مصرف طلبانه غربی و در تأمین نیازها

کسانی و کینه ها کالاها و بازرگانی و اصلان و اصلان اجتماعی و حقوقی از چپال کلان سرمایه داران و اصلان دارد. معذرت همه سرمایه های انقلابی و مستولان و منهد و بازرگان خطا می رویتند و گفته بودند، که سازی معتکرات نیست، در واقع این از مسائل است که انقلاب از انجام یکی از نخستین اقدامات لازم و ممکن عقب مانده است، اکنون از همین محور اصلی استفاده می شود و پوری ترقی علیه یک موضوع معین و یک اصل قانون اساسی و یک ضرورت با کارهای اقتصادی سیاسی اجتماعی انجام می گیرد.
نامه می گوید: "شورای نگهبان الحاق و کلیت لایحه را برخلاف موازین اسلامی تشخیص داد.
یعنی گوش می شود که هرگز خود روزنامه های "شعاری" شکلی در اصل دولتی بودن بازرگانی خارجی ایجاد نموده "امیر" افلاکی که قصد فرجه و جبرتی دارد. (یعنی اقدام برین) است. حق می شود و فردا دست بازرگان وارد کند و بواسطه دلالی که به معنای واسطه پرورد می جنس، بلکه واسطه واسطی ایران و واسطه ساز، دانشی به خارج و واسطه غصب مانده گی همگی و واسطه صرف گران می داد و واسطه صرف گران می از نثرهای وارداتی است. واسطه ساز خواهد بود. از آنچه معلوم می شود که خود اصل قانون اساسی زیر سلامت سؤال رفته است.
در این مسئله نیز ما بازم شاهد حقه جدیدی از "مرد خطا" هستیم، که این بار دیگر آشکارا و با خطاب مستقیم، یکدست بر انقلابی و منطبق با قانون اساسی و اهداف انقلابی را در مقابل مقاومت خط راست گرا قرار می دهد.
هفته قاضیل، آقای نخست وزیر با اشاره به عقوای اخیر نام خصی درباره تعلق از ناشی از فروش نفت بدون گفتن بود.
این قول لایحه ملی شدن تجارت خارجی را شرح می کند و راه حل های خوبی پیش رو می گذارد. و می تواند در لایحه ملی کردن بازرگانی خارجی اثر خوبی بگذارد و بعنوان امری در دست دولت مورد استفاده قرار گیرد.

اما آقای مهدوی کبی از جانب شورای کیهان در نامه خود می نویسد دولت به عنوان این که نفت را می فروشد و قیمت اعظم پیشنهادی از برای کشور را از آن حاصل می کند، نمی تواند تجارت خارجی را در انحصار خود قرار دهد.
در این جا ما با دور داشت و دومین زبیر و سومین همسر دو به موازین اسلامی اشاره می کنیم، ولی دستور نیست که در یکی از طرف که خود نخست وزیر گفت "حکومت به معنای سیاست و اداره سیاست حاکمان مستعین را دیدند و در یکی از طرف که افلاکی "انکار کرد" و فروداری از روحی سرمایه داران و شمایل بیخ سرمایه داری، آقای نخست وزیر این هفته در مقاله گفت: "امروز هر چه در دولت شورای اقتصاد مطرح می شود، یکی بر اسلام فلسفه است" و آقای کبی نوشت: "ما به معنای تسلط موازین اسلامی هستیم.
انکار است که دور داشت از اسلام است. این خط دوم برای جلوگیری از تصرف و استحکام خط خدمت مستعین و خدمت به استقلال سیاسی اقتصادی کشور باره معنای سوره سوره برجس برنی کومبستی و توده ای منقول می شود. ولی هیچ کس باور نمی کند که دولتی بودن بازرگانی خارجی با سوسیالیسم و اشتراکیت مساوی است. هیچ کس قانع نمی شود که چون "یعقول آقای کبی" حکومت اسلامی، بکنفام سوسیالیستی نیست. بنابراین تجارت خارجی این می تواند در انحصار دولت باشد، زیرا که لایحه سوره خدمت کشور اسلامی انقلابی غیر اشتراکی "در برابر ما قرار دارد، که با ما دوست هم هستند و بخش خصوصی هم دارند، ولی تجارت خارجی شان کاملاً دولتی است.
قرصه تجارت خارجی، با آن سودهای عظیمی که به ما می آورد و با آن رابطی که با ما استقلال با وابستگی دارد، یکی از حیاتی ترین عرصه های اقتصادی است. و بدراستی که در دست بر سر این گونه ضامن است، که خط ما شخصی شود مواضع روشن می گردد. سرفه در این عرصه، اگر چه دشوار، ولی آید بسیار است. اصولیت و پیگیری جناحها و شخصیت ها را نیز با آن می توان محک زد.

جهان

بگام ماجراجویانه دیگر از طرف آمریکا
ریگان رئیس جمهور آمریکا هفته گذشته، در یک نطق رادیو تلویزیونی، آغاز دور جدیدی را در سیاست جهانی اعلام کرد. او پس از یک جلسه سخنان عمده فریادانه دربار، به سیاست دولتی، که گویا هدفی از حفظ "صلح و آزادی" دنیا نمی کند، در پیغام به

طی این هفته در روزنامه های کشور متن نامه آقای مهدوی کبی عضو شورای نگهبان، درباره "علل رد لایحه دولتی شدن تجارت خارجی چاپ شده. در نامه که خبرگزاری جمهوری اسلامی منتشر کرده، گوشه شهادت که شورای نگهبان توجیه کرده.
دربار ضرورت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دولتی کردن بازرگانی خارجی و نقش که این اقدام اصلی در تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی و نیل به خودکفایی و طرد روحیه مصرف طلبانه غربی و در تأمین نیازها

ملت آمریکا گفت، که وی تصمیم گرفته است که برای رویارویی با خطر برتری نظامی اتحاد شوروی، صد موشک استراتژیک ام-ایکس را در پایگاه های زمینی ایالت وایومینگ مستقر سازد.

اجرای این تصمیم به معنای پایان دادن به تمام تلاش های بیست و یک ساله در سراسر جهان و در خود آمریکا طی سالهای دراز برای رسیدن به توافق بر سر نازل ترین سطح توازن استراتژیک بین ایالات متحده و اتحاد شوروی انجام گرفته است.

"پیام ریگان" که چیزی جز پیغام مرگ برای ملت آمریکا نبود با موجی از اعتراض در میان مردم و حتی برخی از نمایندگان محافظه کار آمریکا روبرو گشت. امروز در آمریکا کسی را نمی توان یافت که خود و کشورش را از ناحیه اتحاد شوروی در معرض خطر نظامی احساس کند. نظر خواهی های متعددی، که در این اواخر در ایالات متحده (از جمله هنگام انتخابات اخیر) انجام گرفته است، نشان می دهد که جز درصد بسیار ناچیزی از مردم آمریکا، دیگران به وجود چنین "خطری" باور ندارند و صرف این هزینه های سرسام آور را به حساب گامی مصارف اجتماعی، برانگیزش سابقه تسلیحاتی، و بزه در شرایط کنونی، که زکود اقتصادی، نورم و بیگاری تمام رکورد های نیم قرن اخیر را شکسته است، تجویز نمی کنند.

ریگان در پیام خود می گوید که بسیاری از جنگ افزارهای آمریکا قدیمی شده و از کارایی افتاده اند، در حالی که اتحاد شوروی سیستم جنگ افزارهای خود را تا حد زیادی ترقی داده و بمسلاح های آمریکایی برتری فنی یافته است. چیزی که مقامات آمریکایی صدها بار خلاف آن را در دوران تجاوز اسرائیل به لبنان و موارد دیگر، از جمله جنگ تحمیلی، ادعا کرده اند.

حقیقت مسئله آنست که در دنیای کنونی، برای نخستین بار در تاریخ، بین دنیای سوسیالیسم و دنیای امپریالیسم توازن استراتژیک بر پایه سطح تقریباً برابر صنعتی و فنی و امکانات مادی و اقتصادی برقرار گردیده است. و آنچه را که ریگان و هم دستیارانش در داخل و خارج آمریکا می خواهند تا گسترش سابقه تسلیحاتی تغییر دهند، همین توازن استراتژیک به خاطر دستیابی به هدف های اقتصادی - سیاسی انحصارات بزرگ امپریالیستی است، که ریگان و نظامیان او را نه تحت فشار فزاینده و از آن ها علاج دردهای بی درمان نظام اجتماعی خود را تا توسل به زور درخواست می کنند.

تصمیم ریگان به استقرار صد موشک "ام-ایکس" در یکی از ایالات غربی آمریکا جزئی از برنامه وسیع تری است، که در پنج سال آینده هزار و شصت میلیارد دلار از بودجه دولتی آمریکا را در یک سابقه تسلیحاتی بی سابقه خواهد بلعید و سود آن مستقیماً به جهت انحصارات بزرگ سرازیر خواهد شد. محله آمریکایی "بزنس ویک" چندی قبل فهرستی از میزان سفارش های نظامی، که توسط شرکت انحصاری آمریکا در پنج سال آینده داده خواهد شد، منتشر نمود. نگاهی به این فهرست نشان می دهد، که میزان این سفارش ها در سال ۱۹۸۷ نسبت به سال ۱۹۸۱ (حاصل قبل از تصویب بودجه نظامی) بین ۱۵۰ الی ۲۵۰ درصد بالا خواهد رفت.

سابقه تسلیحاتی همزاد بحران های بزرگ سرمایه داری است، که تا اکنون، پس از بحران سال های ۲۰ و ۵۰، شاهد یکی از طولانی ترین و عمیق ترین آن ها هستیم. انحصارات بزرگ امپریالیستی می گویند تا با تشدید روند نظامی کردن اقتصاد و گسترش دست اندازی به منابع ثروت در خارج از کشور، گریبان خود را از چنگال بحران برهانند و با لاقط اثرات آن را گامی دهند. شرکت های بزرگ هواپیماسازی آمریکا از قبیل "بویینگ"، "لاکهد"، "ماک دوریل دوگلاس"، که قبل از روی کار آمدن ریگان در اثر بحران ۲۲٪ از سفارش های تجاری خود را از دست داده بودند، اکنون با گرفتن سفارش های نظامی جدید، به تنهایی خود را از ورطه شکنجی می رهانند، بلکه سودهای به مراتب بزرگ تری نیز به دست می آورند. در حال حاضر "بویینگ" موشک های "کرور" و "هلیکوپتر" "لاکهد" موشک های "توایدست" ۲، "ماک دوریل دوگلاس" هواپیمای "اف-۱۵" و "اف-۱۸"، "جنرال دینامیکس" هواپیمای "اف-۱۶" و "ریپابل پبلیک" حامل سلاح ای-۱۹، "اناکو" موشک می سازند. انحصارات مشهور پاریتی-تی-۱۱، "ای بی ام"، "آر بی ای"، "جنرال الکتریک" و غیره تجهیزات الکترونیکی، دیده این سلاح ها را نیز می کنند. محصولات "مرکوت" این انحصارات، که امکان خود را در جنگ های هالکند و لبنان خوب پس دادند، باعث شد که از بین چهار آن ها به خوبی بی سابقه ترقی کند.

سیاست جنگ افروزی و سابقه تسلیحاتی از این جهت سرمایه داری انحصاری، که از تولید نظامی حداکثر سود را به دست می آورد، حاضر نیست در رشته های غیر نظامی با سود کمتر سرمایه گذاری کند، برجسته می گیرد. اما نظامی کردن اقتصاد به تنهایی هیچ دردی را در

کشورهای امپریالیستی دوا نمی‌کند، بلکه دردهای تازه‌ای را نیز به همراه می‌آورد، که بزرگ‌ترین آن‌ها رشد تورم و بیکاری است. تولید سلاح‌های پیچیده تنها به تعداد کمی متخصص برجسته و کارگر ماهر نیاز دارد. در یک اقتصاد نظامی گریانه میلیون‌ها کارگر جوان و بدون تخصص بیکار می‌مانند. از سوی دیگر، توسعه برنامه‌های نظامی، چنان که اکنون در سیاست حکومت ریگان مشاهده می‌کنیم، مستلزم محدود کردن هزینه‌های اجتماعی است، که خود سطح مصرف و تقاضا را در کشورها بس می‌آورد و، به اصطلاح معروف، فقیران را فقیرتر و ثروتمندان را ثروتمندتر می‌کند. و این تنها یک سوی قضیه، یعنی بی‌آمدهای داخلی این سیاست است. رشد گرایش‌های نظامی گریانه در اقتصاد یک کشور، به ویژه اگر آن کشور مانند ایالات متحده آمریکا دارای امکانات بزرگ اقتصادی باشد، همواره با سیاست‌های تجاوزگرانه خارجی توأم خواهد بود. رهبران کنونی آمریکا پنهان نمی‌کنند، که هدف آن‌ها از کمب برتری نظامی بردن برای سوسیالیسم، جلوگیری از هرگونه تحول بنیادی در کشورهای "جهان سوم" یا "روزنظامی" است. مقامات بلندپایه آمریکایی بارها گفته‌اند، که دیگر هوگز اجازه نخواهند داد، که در مناطقی که ایالات متحده در آن‌ها "منافع حیاتی" دارد، بکامیابان یا بکنیگراگونه تازه بدید آید. آن‌ها اتحاد شوروی را تهدید نمی‌کنند، که اگر به پشتیبانی از این تحولات انقلابی برخیزد، با ضربات هسته‌ای آمریکا روبرو خواهد شد، و برای نشان دادن این که این تهدید جدی است، نیروهای هسته‌ای خود را چند برابر تقویت می‌کنند. استقرار موشک‌های استراتژیک "ام-ایکس" در ایالت وایومینگ، استقرار موشک‌های میان‌برد در اروپای غربی و نقاط هم‌مرز با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، ایجاد پایگاه‌های نظامی در خاور دور و بخش غربی اقیانوس آرام، تمرکز بزرگ‌ترین ناوگان هسته‌ای آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس، تاسیس پایگاه‌های جدید در شاخ آفریقا، عمان، عربستان سعودی، پاکستان، ترکیه و توسعه پایگاه‌های موجود در این مناطق، به ویژه در جزیره‌های گوناگون، اجزای مختلف استراتژی هسته‌ای آمریکا در سراسر جهان است.

خطراتی که این استراتژی برای میهن ما دربردارد، بر کسی پوشیده نیست. تدارکاتی که امپریالیسم آمریکا در اقیانوس هند و در خلیج فارس برای آغاز یک جنگ هسته‌ای انجام می‌دهد و توطئه‌هایی که برای سازمان دادن اتحادیه‌های نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌چیند، در صبح روز شنبه ۶/۹/۶۱ فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران به تفصیل شرح داده شده است.

سیاست جهانی امپریالیسم آمریکا به صورتی شکل گیرد، دود آن مستقیماً به چشم مردم ما نیز خواهد رفت. به همین دلیل نیز تصمیم ریگان در مورد استقرار موشک‌های استراتژیک "ام-ایکس" در خاک خود ایالات متحده، که به معنای آزاد کردن بخش مهمی از نیروی دریایی و هوایی هسته‌ای آمریکا برای استقرار در اقیانوس هند و خلیج فارس است، نفع‌ناهمیدیدی برای جناح جنوبی بی‌مان‌ورشو و کشورهای سوسیالیستی به شمار می‌رود، بلکه خطراً بمرزهای کشور ما نیز نزدیک‌تر می‌کند.

در پرتو این واقعیات است، که کوشش دنیای سوسیالیسم برای جلوگیری از تشنج قزایی و مسابقه تسلیحاتی اهمیت خود را به روشنی نشان می‌دهد. کاربرد زور در روابط بین‌المللی و یا تهدید به آن هدفی جز غارت و استثمار خلق‌ها ندارد. سیاستی که ریگان و داروود دست‌های بر آن حفظ "منافع حیاتی" آمریکا نام نهاده‌اند و به همین عنوان بزرگ‌ترین ناوگان هسته‌ای خود را در نزدیکی مرزهای جنوبی میهن ما متمرکز کرده‌اند، معلوم است که اگر امپریالیست‌های آمریکایی به هدف خود، کمکت برتری نظامی بر دنیای سوسیالیسم است، دست یابند، یک‌روز هم برای سرکوب انقلاب ایران حتی با استفاده از سلاح هسته‌ای معطل نخواهند شد.

رهبران اتحاد شوروی بارها اعلام کرده‌اند که به امپریالیسم آمریکا اجازه نخواهند داد، که توازن استراتژیک بین دنیای سوسیالیسم و دنیای امپریالیسم را برهم زند. دنیای سوسیالیسم، در شرایط بسیار جاد کنونی، نقش تاریخی خود را در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی خلق‌ها و دفاع از استقلال و آزادی آن‌ها در برابر توطئه‌ها و تجاوزهای امپریالیستی ایفا می‌کند.

ریگان و داروودست‌ها از راه کاربرد روزنظامی، بلکه هم چنین از طریق برقراری روابط اقتصادی نابرابر و غیرعادلانه برای تحمیل خواست‌های غارتگرانه انحصارات امپریالیستی بر کشورهای "جهان سوم" تلاش می‌کنند. ریگان در یک نطق دیگر خود، این بار "خطاب به خلق‌های جهان"، آنان را به قبول سیاست "بازرگانی آزاد" فراخواند.

واژه "آزاد" در این اصطلاح رنگان نیز، با آن ظهوری در باره مشابه
تسلطیحاتی به خاطر دفاع از آزادی گشته است، فوقی ندارد. رنگان
بازرگانی آزاد را در مان تمام دردهای دنیای سرمایه داری معرفی می
کند و آن را در برابر حمایت گمرکی از بازار داخلی در برابر گالاهای
خارجی و نظارت دولت و صادرات و واردات کشورها، قرار می دهد.
هر چند دعوت دیگر به دنبال اصل بازرگانی آزاد دعوت عام
است، اما مقصد او بیشتر کشورهای "جهان سوم" اند، که برای حمایت
از تولیدات داخلی، در واقع دشمن خود را با بی ثلاهای کشورهای
امپریالیستی می بینند و در حقیقت می خواهند استقلال اقتصادی خود
را در برابر تهاجم انحصارات امپریالیستی حفظ کنند.

هر قدر کشوری در راه حفظ استقلال اقتصادی خود پیشتر بکوشد،
به همان اندازه بیشتر مورد بی مهری انحصارات و بانک های امپریالیستی
و حکومت آمریکا قرار می گیرد. صندوق بین المللی پول و بانک جهانی
توسعه و عمران، که زیر نظر دولت آمریکا فعالیت می کنند، واگذاری وام
به کشورهای "جهان سوم" را موکول به انصراف آن ها از سیاست حمایت
از تولید داخلی و برداشتن هر گونه قید و مانع در راه "بازرگانی آزاد"
می سازند. مصیبتات و ترکیه زنیال ها، تنها پس از قبول این توصیه های
بانک جهانی و صندوق بین المللی موفق به دریافت وام شدند. "کمک های
دولتی ایالات متحده به کشورهای "جهان سوم" نیز به قبول این شرایط
و یا شرایط سیاسی مهم نری منوط است.

رنگان و دارودسته اش، در عین حال که "بازرگانی آزاد" را تبلیغ
می کنند، خودشان سخت ترین موانع را برای نفوذ گالاهای خارجی در
بازارهای آمریکا، چه از طریق قانونی و چه از طریق غیر قانونی، فراهم
می کنند، که درگیری آن ها با اروپای غربی بر سر صدور فولاد به آمریکا،
و باز این بر سر صدور اتومبیل و دستگاه های الکترونیک به آمریکا، نمونه ای
از آنست.

سیاست "بازرگانی آزاد" کشورهای "جهان سوم" را به روز سیاه
نشانده است. بدی این کشورها به بانک های آمریکایی از سال ۱۹۷۵
تا کنون سه برابر شده است. برخی از این کشورها در استامبول شرکتی
اقتصادی قرار گرفته اند. اینست "آزادی" هایی که امپریالیسم آمریکا،
با مشابه تسلطیحاتی و "بازرگانی آزاد" به جهان وعده می دهد. از
این روست، که پیروان سوسیالیسم علمی امپریالیسم را مرحله ای از
رشد سرمایه داری می نامند، که در آن تمام جوانب زندگی اقتصادی،
سیاسی و اجتماعی، خلعت عمیقاً ارتجاعی به خود می گیرد.